

اخبار فرهنگی

حبیب الله صادقی، هنرمند پیشکوت نقاشی درگذشت



حبیب الله صادقی، هنرمند پیشکوت در عرصه هنرهای تجسمی صبح چهارشنبه (پنجم مرداد ماه) به دلیل ایست قلبی دار فانی را وداع گفت. به گزارش ایسنا، حبیب الله صادقی، از هشت سالگی کار نقاشی را آغاز کرده بود. این هنرمند در حوزه های کاریکاتور و گرافیک نیز فعال بود. وی در سال ۱۳۳۶ در خانواده ای سنتی در محله تهران نو چشم به جهان گشود. از همان سال های کودکی در محل کار پدر با نام روزنامه اطلاعات آشنا شد. همانجایی که سال ها بعد او و یکی از برادرانش به عنوان روزنامه نگار در بخش تحریریه آن مشغول به کار شدند.

وزیر ارشد:

نگاه تهدیدمحور به شبکه های نمایش خانگی را نمی پسندیم

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره اختلاف صدا و سیما با شبکه های نمایش خانگی گفت: ما اصلا نگاه تهدیدمحور به این شبکه ها را نمی پسندیم. همه مجموعه ها ممکن است در روند کارشان ایراداتی باشد که برطرف می شود.

به گزارش ایلنا، محمد مهدی اسماعیلی در پایان جلسه هیات دولت با حضور در جمع خبرنگاران افزود: سیاست اصلی دولت و حاکمیت و شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی فضای مجازی، وزارت ارشاد و صدا و سیما این است که نگاه فرصت محور به شبکه نمایش خانگی داریم و از این شبکه به عنوان یکی از دستاوردهای فناوری نوین در حوزه فیلم و سریال حمایت می کنیم. ممکن است مثل هر بخش دیگر مثل خودمان که در وزارتخانه حتما مشکل است، اینجا هم اشکالی باشد. بنای ما این است که کمک کنیم این اشکالات حل شود.

ضرغامی از تشکیل هیات کارشناسی خبر داد

بررسی اشکالات مرمت گنبد مسجد شیخ لطف الله



وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی گفت: اشکالاتی در مرمت گنبد مسجد شیخ لطف الله وجود داشت و بنیاد یک هیات کارشناسی به این موضوع ورود کند. این موضوع قبل از اینکه برای یونسکو مهم باشد مربوط به کشور خودمان است.

عزت الله ضرغامی دیروز در حاشیه هیات دولت در جمع خبرنگاران درباره اشکالات مرمت گنبد مسجد اصفهان افزود: مرمت گنبد مسجد شیخ لطف الله ۱۲ سال قبل آغاز شد و با باز شدن داربست ها اشکالاتی در مرمت مشاهده شد که بلافاصله جلسه تشکیل دادم که ببینیم اشکال به چه ناحیه بر می گردد، متخلفان مشخص شوند و بعد وضعیت اصلاح آن انجام شود.

وی درباره نگرانی یونسکو از مرمت مسجد اصفهان اظهار داشت: بنا شده است که یک هیات کارشناسی به این موضوع ورود کند؛ این موضوع قبل از اینکه برای یونسکو مهم باشد مربوط به کشور خودمان است.

آخرین اثر سینمایی علی انصاریان اکران می شود

«بانک زده ها» از اول شهریور ماه توسط پخش سامانه نمایش گستران به سینماهای ملی پخش می شود. به گزارش مشاور رسانه ای پروژه، فیلم سینمایی «بانک زده ها» به کارگردانی جواد اردکانی و علی بکائیان و تهیه کنندگی علی روئین تن از اول شهریور ماه ۱۴۰۱ توسط پخش سامانه نمایش گستران به سینماها خواهد آمد.

در خلاصه داستان این فیلم که آخرین اثر علی انصاریان، بازیگر و بازیکن سابق تیم پرسپولیس است اینگونه آمده: زدم، زدی، زد؛ زدم، زدیم، زدید، خورد... اما برای ما مشخص نیست کسانی بانک زده اند یا بانک آن ها را زده است چه بزن بزنی ست و چه بزن بزنی باید باشد در بانک زده ها ما خودمان هم حیرانیم به همه گفتیم زدم شمام بگید زن تو بزن تا من برقصم بانگ گروه BTS.

بررسی افزایش اقبال به متون شکسپیر در ایران با نگاهی به «اتاق هملت» این ویلیام نازنین



بررسی افزایش اقبال به متون شکسپیر در ایران با نگاهی به «اتاق هملت»

اهمیت است، حتی اگر ملک الشعرا زمانه او بوده باشد. راز شکسپیر برای ما چیست؟ این پرسش با تماشای نمایش «اتاق هملت» ساخته بابک محمدزاده به ذهنم خطور می کند، نمایشی اقتباسی از هملت شکسپیر که در آن محمدزاده با تاسی از روش بیومکانیک، تعریفی گروتسک از هملت ارائه می کند. با خودم کلنجار می روم که آیا شکسپیر در زمان نگارش متن خود به بیومکانیک یا گروتسک می اندیشیده است؟! آیا او می پنداشت روزگاری در شرقی دور، آثارش اسبابی باشند برای بیان حرف هایشان؟! احتمالا

«اتاق هملت» جنبه سادوماز و خیستی روابط هملت را عیان می کند. آدم هایی که از در کنار هم بودن لذت نمی برند و تصویری نه چندان زیبا از این همبودگی ارائه می کنند. به خودمان بازگر دیم. آیا واقعاً ما از در کنار هم بودن لذت می بریم؟ در «اتاق هملت» پرده را که برمی افکنیم نتیجه اش انقطاع بقا است.

برده نقره ای

کارگردان مستند «ایستوود» مطرح کرد:

فضای سینمای ایران طبیعی نیست

علیرضار سولی نژاد معتقد است: حجم تولید فیلم در ایران بالاست و هیچ دولتی توانایی پاسخگویی و مدیریت این وضعیت را ندارد. در کل فضای سینمای ایران چه مستند و چه داستانی و سینمایی، فضایی طبیعی نیست؛ به گزارش ایلنا، فیلم مستند «ایستوود» به کارگردان علیرضار سولی نژاد که سال گذشته در بخش سینمای ملی جشنواره سینما حقیقت حضور داشت، به تازگی اکران آنلاین خود را آغاز کرده است. این مستند علاوه بر جشنواره سینما حقیقت در جشنواره های سینمایی و رو شو کپنهاگ نیز نمایش داده شده است. «ایستوود» که شاید عنوان آن علاقه مندان به سینما را کنجکاو کند، تنها یک اثر مربوط به سینما و علاقه مندان به هنر هفتم نیست بلکه می توان آن را مستندی مردم نگارانه از شرایط زیستی در سیرجان دانست که به بهانه وجود شخصیتی خاص و دنبال کردن آن، دغدغه های خود را مطرح می کند. به بهانه اکران آنلاین «ایستوود»، خبرنگار ایلنا گفتگویی با کارگردان این اثر داشته است که در ادامه می خوانید:

**تصمیم برای ساخت مستند ایستوود به نظر از یک ایده پر تره گرفته شده و بعد تا حدی به یک اثر در قالب مردم نگاری تبدیل شده است. این ساختار چطور شکل گرفت؟**

همیشه دوست داشتم فیلمی درباره ی زادگاهم سیرجان بسازم. سال ها به این موضوع فکر می کردم تا اینکه چند سال پیش در یک روزنامه ی محلی به خبر «باغ نمونه» در سیرجان برخورد کردم. جرقه ی فیلم همانجا زده شد و کم کم ایده پر و بال گرفت و شد «ایستوود». همانطور که در فیلم مطرح می شود، من واقعا چنددهه پیش با چند نوار کاست و چند فیلم وی اچ اس از فیلمسازانی مثل کلینت ایستوود به تهران مهاجرت کردم. فیلم «ایستوود» هم سلف پر تره است و هم پر تره ای از جناب ایستوود و هم پر تره ای از زندگی در یک شهرستان امروزی.

**برداشتن به معضلات اجتماعی، فرهنگی و محیط زیستی سیرجان به نظر شکل گرفته از یک سری تحقیقات است. منبع شما برای این تحقیقات چه بود و این تحقیقات در زمان فیلمبرداری صورت گرفت یا پیش از فیلمبرداری؟**

هم دریده شده بود، شاهان از اسب افتاده شکسپیر لقمه ای آماده به حساب می آمدند.

اما در یک دهه گذشته شکسپیر اهمیتی دوچندان یافته است. بی شک ترجمه کتاب یان کات توسط رضا سرور بی تأثیر نبوده است. فهم تازه ای از شکسپیر در قده و قامتی مدرن قابل توجه بود. به یاد داشته باشیم کارگردان مدرن انگلیسی چون کریگ روی خوشی به اجرای شکسپیر نشان نمی دادند؛ اما حال یک متفکر چپ گرا از جوه مدرن شکسپیر می گفت. نتیجه کار حجم انبوهی از هملت ها و مکبث ها در این یک دهه اخیر بوده است. با نگاهی به نمایش «اتاق هملت» می توان دید که چگونه متن شکسپیر انعطاف پذیری از خود نشان می دهد. در اجرای محمدزاده، شخصیت ها دگرگون شده و حتی ذات ابتدایی خود را از دست داده اند. باین وجود متن کارگرد خود را حفظ کرده است. محمدزاده در دنیای هملت پرس و جویی کرده و آنچه برای اجرایش با بهتر است بگوید برای جهان بینی شخصیش لازم بوده را برداشته و استفاده کرده است. به عبارتی شکسپیر برای او دکانی است عمیق با انبوهی از داشته ها که می تواند در آن قدم بزند و انتخاب کند و با داشته های شخصیش آمیخته کند. بدون شک در دنیای شکسپیر چیزی به نام یخچال وجود نداشته است؛ اما اگر هملت دانمارکی امروز وجود داشت، آیا یخچال نمی داشت؟! امانتیجه این آمیختگی یک وضعیت ساده هم نخواهد بود، در گذار تاریخی، یخچال شمایل تثبیت شده اش را از دست می دهد و این چیزی است که نمایش «اتاق هملت» تلاش می کند به نمایش بگذارد.



نمایش تصویری از یک نظام فاسد است که در آن امیال فردی بر هر جنبه زیستی چیره می شود تا مردان و زنان در قدرت به خواسته های نفسانی خود دست یابند. کلودیوس، این گناهکار ظاهری از صحنه خارج شده است و در غیابش، شخصیت ها در تقلا برای تکه پاره کردن یکدیگرند. اینجا ما دیگر نه با یک هملت معصوم فیلسوف که شاید با ترکیبی از عقده ها

شاید امروز ماملو از توف ها باشد؛ امایی گمان مواجهه مادر جامعه امروز ایران با شخصیت های مشابه شکسپیر بیشتر است و این رازی است برای محبوبیت این مرد در پتانیا و البته میل شدید به مکبث و هملت که جهان ما را فرا گرفته اند

و تروماها روبه روییم. فردی که دیگر نه در بازی جنون که در چنگال جنون اسیر شده است. این خوانشی از امروز است. از وضعیت ما که هم امیال قدرت فراتری یافته است و هم جنون وجودمان را فرا گرفته است. متن شکسپیر این اجازه را به ما می دهد تا بر حسب نیاز مان، زمینه اجتماعی و سیاسی مان چیزی را برجسته تر کنیم. میل هملت به اقلیای می تواند چنان خوانش پذیر باشد که رفتن به دیر هم معنای مذهبی یابد و هم معنای شهوانی. «اتاق هملت» از این توانایی بهره می برد. جنبه سادوماز و خیستی روابط هملت را عیان می کند. آدم هایی که از در کنار هم بودن لذت نمی برند و تصویری نه چندان زیبا از این همبودگی ارائه می کنند. به خودمان بازگر دیم. آیا واقعاً ما از در کنار هم بودن لذت می بریم یا در غیر نوعی رساکاری برای حفظ بقاییم؟ در «اتاق هملت» پرده را که برمی افکنیم نتیجه اش انقطاع بقا است.

«اتاق هملت» دیگر قرار نیست تصویر شیک و شکوهمند از یک نظام سلطنتی به نمایش بگذارد. خبری از آن جبروت نمایش های شکسپیری نیست. به سیاق اقتباس های ایرانی، با توجه به زمینه های اقتصادی در ایران، ما با یک شکل فروخورده از شکسپیر روبه رو می شویم. داشته های ما برای اجرای شکسپیر محدود است و این محدودیت خودش واجد نوعی زیبایی شناسی است. نه تنها «اتاق هملت» که بیشتر اقتباس های جوانانه از شکسپیر با نوعی نیستی در دکور یا رویکرد هیبریدی با اشیا روبه رو است. به عبارتی هر شئی می تواند در اجرا چیزهایی باشد که نیست، دچار تکثر معنایی می شود و چون نگاه و تکنشین بر حسب کار برد معنا تولید می کند. شاید مولیر چنین توانی به ما ندهد. مولیر و آثارش برای بزنگاه های مشخصی طراحی شدند. شاید امروز ما ماملو از توف ها باشیم؛ امایی گمان مواجهه مادر جامعه امروز ایران با شخصیت های مشابه شکسپیر بیشتر است و این رازی است برای محبوبیت این مرد در پتانیا و البته میل شدید به مکبث و هملت که جهان ما را فرا گرفته اند.



و تداخل آن فرم ها «ایستوود» را شکل داده است. به عنوان مثال تکنیک گفتگو با واقعیت و تداخل ذهنیت در واقعیت بیرونی در فیلم ایستوود بسیار فراگیر است و یا استفاده از لحن های چندگانه و آمداری از ماکبوتی در فیلم حال هوایی هیبریدی داده است. به هر حال امیدوارم در ادامه ی اکران این فیلم به این موضوع بیشتر پرداخته شود.

**در اثر شما دغدغه های محیط زیستی و اجتماعی هم مطرح می شوند. آثار مستند تا چه حد در حل چنین معضلاتی می توانند نقش داشته باشند؟**

سینمای مستند در شکل عمومی اش در اغلب کشورها به شکل مستقیم به مشکلات و معضلات اجتماعی می پردازد و مورد علاقه دانشجویان، ژورنالیست ها و طبقه تحصیل کرده است و اغلب هم در کانال های خاص تلویزیونی پخش می شوند. شخصا علاقه ی چندانی به این نوع مستندها ندارم. در فیلم ایستوود و فیلم های قبلی ام به معضلات و مشکلات اجتماعی با میانجی انواع فرم های بیانی و نیز تداخل ذهنیت و تخیل در واقعیت پرداخته ام.

**به عنوان یک مستندساز که طی این سال ها چندین اثر قابل توجه خلق کرده، وضعیت سینمای مستند و نگاه مسئولان سینمایی به این سینما را چطور ارزیابی می کنید؟**

درباره این موضوع نظر چندانی ندارم، حجم تولید فیلم در ایران بالاست و هیچ دولتی توانایی پاسخگویی و مدیریت این وضعیت را ندارد. در کل فضای سینمای ایران چه مستند و چه داستانی و سینمایی، فضایی طبیعی نیست!

معضلات و مشکلاتی که در فیلم مطرح می شود فقط مربوط به شهرستان سیرجان نیست، یک مشکل سراسری است که اغلب شهرهای ایران درگیرش هستند. اغلب ما کم و بیش با این مشکلات آشنا هستیم و نیاز به تحقیقات مفصل ندارد؛ با این حال هم قبل از فیلمبرداری و هم در طول کار سعی کردیم در مورد این مشکلات تحقیق کنیم.

**بخش هایی از فیلم های کلینت ایستوود که در قسمت هایی از این مستند نمایش داده می شوند بر چه اساس انتخاب شده اند؟**

راوی فیلم در مسیر روایتش از خاطرات گذشته، بنا به موقعیت هایی که در آن قرار می گیرد صحنه هایی از ایستوود را به یاد می آورد. در واقع لوکیشن ها و حس و حال موقعیت ها باعث تداعی این صحنه ها می شوند. این تکه ها بر اساس آن تداعی ها انتخاب شده اند. سیرجان از نظر آب و هوا و جغرافیا برایم یادآور فیلمهای ایستوود بود، هم فیلمهای وسترن او و هم فیلمهای پلیسی و شهری اش.

**آیا به این نکته که مخاطبان نا آشنا به سینمای کلینت ایستوود هم با او ارتباط برقرار کنند، فکر کرده بودید؟**

خوشبختانه اغلب فیلم های کلینت ایستوود، فیلم هایی داستانی و پرکشش هستند و اغلب مردم دنیا با فیلمهایش ارتباط برقرار می کنند. از این نظر هیچ مشکلی نبود. حتی بازخوردهای خوبی هم داشتیم، چه در فستیوال کپنهاگ و وورشو و مونترال و چه در همین چند روزی که اکران آنلاینش شروع شده است. به نظر استفاده از این تکه فیلم ها یک وجه سینمایی و سینمایی فیلی به فیلم اضافه کرده که در نوع خود تجربه ی جالبی بود.

**در جلسه نمایش و گفتگوی این مستند در سالن حقیقت مرکز، آن را اثری هیبریدی معرفی کردید، چرا «ایستوود» را چنین اثری می دانید؟**

البته اینکه «ایستوود» فیلمی هیبریدی است یا نه را اساتید سینما، منتقدان و آکادمیسین ها باید بگویند. شخصا علاقه ی چندانی به این تقسیم بندی ها و طبقه بندی ها ندارم. صرفا از این بابت که مجری بر نامه تاکید داشت که فیلم «ایستوود» یک فیلم جستار است، به فیلم هیبریدی اشاره کردم. چون به نظر من ترکیبی است از فرم ها و شکل های سنتی فیلم های مستند. در واقع ترکیب یا هیبرید